خوسه دونوسو

باغ همسایه

ترجمهٔ

عبدالله کوثری

www.ketab.ir

This is a Persian translation of
The Garden Next Door
by José Donoso
Grove Press, New York, 1992
Translated by Abdollāh Kowsari
Āgāh Publishing House, Tehran, 2015
info@agahpub.ir

سرشناسه:دونوسو، خوسه، ۱۹۲۴ـ۱۹۹۶ م.
عنوان و نام پدیدآور: باغ همسایه /خوسه‌دونوسو؛ ترجمهٔ عبدالله کوثری.
مشخصات نشر: تهران: آگاه، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۳۰۲ ص.
شابک 978-964-416-318-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت: عنوان اصلی: .Jardin de al lado
یادداشت: عنوان به انگلیسی: .The Garden Next Door, 1992
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶ـ۱۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: داستان‌های شیلیایی ـــ قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده:کوثری، عبدالله، ۱۳۲۵ـ ، مترجم.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۲ ب ۹ د / PQ۸۰۹۷
رده‌بندی دیویی: ۸۶۳
شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۱۱۳۰۶۵۹

خوسه دونوسو
باغ همسایه
ترجمهٔ عبدالله کوثری

چاپ یکم: ترجمهٔ فارسی پاییز ۱۳۹۴، آماده‌سازی، حروفنگاری و نظارت بر چاپ دفتر نشر آگاه
(حروفنگاری: نفیسه جعفری، سمیه حسینی؛ نمونه‌خوانی: پگاه درخشانی؛ صفحه‌آرایی: مینو حسینی)
لیتوگرافی: طاووس‌رایانه، چاپ: منصور، صحافی: چاوش
شمارگان: ۲,۲۰۰ نسخه
همهٔ حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

انتشارات آگاه
خیابان انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت، شمارهٔ ۱۳۴۰

با همکاری
مؤسسهٔ فرهنگی هنری فرهنگ‌بان
ابوریحان، خیابان روانمهر، شمارهٔ ۱۹

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.ir
قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان

www.ketab.ir

سخن مترجم

باغ همسایه نخستین رمانی است که از خوسه دونوسو نویسندهٔ شیلیایی به فارسی منتشر می‌شود. پیش از این یک داستان کوتاه او با عنوان «گردش» در مجموعهٔ ***داستان‌های کوتاه امریکای لاتین*** با ترجمهٔ همین مترجم به چاپ رسیده و بی‌گمان خوانندهٔ تیزبین می‌توانست در همین داستان کوتاه سیمای نویسنده‌ای را باز شناسد که در عین همنشینی با بزرگان ادبیات امریکای لاتین همچون مارکز، فوئنتس، بارگاس یوسا، کورتاسار و... سبک و نگاهی خاص خود دارد. گزافه نیست اگر بگوییم دونوسو می‌بایست زودتر از این‌ها به خوانندهٔ فارسی زبان معرفی می‌شد، چراکه او از آغاز دورهٔ **شکوفایی** ادبیات امریکای لاتین در شمار تواناترین نویسندگان این دوره بوده و رمان‌های او سهم بزرگی در غنا بخشیدن به ادبیات این دوره داشته است، همچنین او تنها نویسندهٔ این دوره است که سرگذشت رمان **شکوفایی** را در روایتی معتبر شرح داده[1] و نیز نخستین نویسنده‌ای است که با اعلام اشباع‌شدگی رمان **شکوفایی** خواستار پایان دادن به این دوران و پیش گرفتن مسیری تازه شد.

خوسه دونوسو در ۱۵اکتبر ۱۹۲۴ در سانتیاگو شیلی زاده شد. پدرش

---

1. Jose Donoso, *Historia Personal del Boom*, Barcelona Anagrama. 1971. (*The Boom in Spanish American Literature: A Personal History*)

www.ketab.ir

پزشک بود اما خانواده وضع مالی بی‌ثباتی داشت و خوسهٔ جوان که از پشتوانهٔ مالی برای پی‌گیری تحصیلات عالی محروم بود، زمانی را به سیر و گشت در خاک میهن گذراند و سرانجام در انستیتوی تعلیم و تربیت دانشگاه شیلی ثبت نام کرد و دورهٔ سه سالهٔ این انستیتو را به پایان برد و آنگاه با دریافت بورس تحصیلی از دانشگاه پرینستن به ایالات متحد رفت و بعد از دو سال تحصیل از آن دانشگاه مدرک لیسانس گرفت. از آن پس دونوسو در دانشگاه‌های شیلی به تدریس زبان و ادبیات انگلیسی پرداخت و زمانی نیز به روزنامه‌نگاری در شیلی و مکزیک روی آورد. همچنین از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ در کارگاه نویسندگان دانشگاه آیووا تدریس کرد و در دانشگاه پرینستن و کالج دارتموث نیز به تدریس پرداخت.

دونوسو در سال ۱۹۶۱ با ماریا دل پیلار سرانو[1] ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک دختر است. او در سال ۱۹۶۴ برای گریز از فضای سیاسی شیلی به خارج سفر کرد و زمانی در مکزیکوسیتی و آنگاه در ایالات متحد اقامت گزید و سرانجام به اروپا رفت و در اسپانیا رخت افکند. دونوسو در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ به شیلی بازگشت و در آنجا برای آموزش جوانان کارگاه نویسندگی دایر کرد و علاوه بر نوشتن رمان با دست‌اندرکاران تئاتر و سینما نیز همکاری کرد.

خوسه دونوسو در دسامبر ۱۹۹۶ به بیماری سرطان درگذشت.

خوسه دونوسو مثل بیشتر نویسندگان هم‌نسل خود، کارلوس فوئنتس، گابریل گارسیا مارکز و خولیو کورتاسار اولین نوشته‌های خود را در اواسط دههٔ ۱۹۵۰ منتشر کرد. در سال ۱۹۵۶ مجموعهٔ داستان‌های کوتاه او برندهٔ جایزهٔ ادبی شهرداری سانتیاگو شیلی شد. فعالیت‌های

1. Maria del Pillar Serano

www.ketab.ir

ژورنالیستی‌اش نیز جایزهٔ مشترک شیلی ـ ایتالیا را نصیب او کرد. اما آوازهٔ او در ایالات متحد و اروپا در سال ۱۹۶۲ بالا گرفت. در این سال نخستین رمان او ***تاج‌گذاری*** *(Coronation)* به انگلیسی ترجمه و منتشر شد و جایزهٔ بنیاد ویلیام فاکنر را از آن خود کرد.

هرچند نویسندگان دورهٔ **شکوفایی** هریک سبک و جهانی از آن خود داشتند و توانستند با پشتوانهٔ تجربه‌های فردی خود راهی جداگانه پیش گیرند و در این راه به شهرت و اعتبار جهانی برسند، منتقدان و صاحب‌نظران ادبیات امریکای لاتین پیدایش «رمان نو» در این قاره را که درواقع مقدمهٔ دورهٔ شکوفایی است با ویژگی‌هایی مشخص می‌کنند که در آثار همهٔ نویسندگان از آله‌خو کارپانتیه و میگل آنخل آستوریاس تا جوان‌ترین نویسندهٔ دورهٔ شکوفایی یعنی ماریو بارگاس یوسا به چشم می‌خورد. شاید یادآوری این نکته ضروری باشد که پیدایش «رمان نو» عملاً به اواخر دههٔ ۱۹۴۰ و بخصوص به دههٔ ۱۹۵۰ برمی‌گردد، یعنی زمانی‌که نویسندگان پیشگامی چون کارپانتیه و آستوریاس و بورخس آثار متفاوت خود را منتشر کردند. اما این نوع رمان که به دست نسل جوان‌تر نویسندگان، یعنی مارکز، فوئنتس و دیگران تکامل پذیرفته و ابعاد تازه‌ای یافته بود در دههٔ ۱۹۶۰ به موقعیت تجاری نیز دست یافت و از این روست که در بیشتر نوشته‌ها دههٔ ۱۹۶۰ را آغاز دورهٔ شکوفایی می‌نامند. باری، فیلیپ سوانسن در کتاب ***مقدمه‌ای کوتاه بر داستان امریکای لاتین*** می‌نویسد:

> ... پیدایش «رمان نو» یا «روایت نو» حکایت سادهٔ نشستن «مدرن» به جای «سنتی» نیست، بلکه فرایندی پیچیده‌تر و دیریاب‌تر دارد. در این تحول به‌طور کلی دو روند عمده را می‌توان باز شناخت. نخست بحران مدرنیته به فروپاشی نظام اعتقادات دیرینه می‌انجامد و بازتاب این فروپاشی پیدایش شکل‌های روایتی است که نشان از عدم قطعیت و حتی آشوب دارد. دوم، مدرنیته راه‌های

www.ketab.ir

جدیدی برای خوانش جهان عرضه می‌کند که می‌توان آن‌ها را در روایت به کار گرفت و برای بیان هویت امریکای لاتینی روش‌های اصیل‌تری ابداع کرد. در عمل این دو روند محدودیت‌ها و تناقضاتی دارند و رابطهٔ متقابل این دو با هم گاه بسیار پیچیده می‌شود. برای مثال انکار مدرنیته معمولاً با توسل به آن شیوه‌های روایتی صورت می‌پذیرد که خود زاییدهٔ مدرنیسم است و در عین حال روی آوردن به روش‌های مدرنیستی برای تأکید بر هویت فرهنگی اغلب لازمه‌اش انکار ارزش‌هایی است که ملازم با مدرنیته است.»[1]

این دو ویژگی عمده، یعنی از یک‌سو جستجوی روش‌ها و شگردهای جدید برای بیان، و از سوی دیگر جستجو در هویت و تاریخ و سنت و به‌طور کلی هستی انسان امریکای لاتین را می‌توان آشکارا در آثار نویسندگان «رمان نو» یا نویسندگان دورهٔ **شکوفایی**، بازشناخت. اما هریک از این نویسندگان در نوشته‌های خود سبک و رویکردی خاص برگزیده که او را از دیگران متمایز می‌کند. مثلاً مارکز و فوئنتس و روئاباستوس با همهٔ تفاوت‌هایی که در سبک دارند در بسیاری از رمان‌هاشان وقایع تاریخی و شخصیت‌های تاریخی را دستمایه می‌کنند، حال آن‌که بارگاس یوسا بیشتر به جامعهٔ معاصر و انسان معاصر می‌پردازد و دونوسو و خوان‌کارلوس اونتی[2] بیشتر به کاوش در روان انسان امریکای لاتین گرایش دارند.

نخستین رمان‌های دونوسو نیز از این ویژگی‌های کلی برخوردار است، اما چنان‌که در بالا اشاره کردیم، آنچه رمان او را از سایر نویسندگان این دوره متمایز می‌کند، توجه او به زندگی روزمرهٔ طبقهٔ متوسط و گرایش

1. Philip Swanson, *Latin American Fiction, A Short Introduction*, Blackwell, 2005, P. 54. 2. Juan Carlos Onetti

www.ketab.ir

نمایان به کندوکاو در روان آدمی، توجه به نارسایی‌های روانی، نابهنجاری‌های جنسیتی، ذهنیت بیمارگون و تنش‌های موجود میان انسان حاشیه‌نشین و متن جامعه است.

روبرتو گونسالس اچه‌وریا منتقد سرشناس ادبیات امریکای لاتین دربارهٔ دونوسو چنین می‌گوید:

> دونوسو که نخستین داستان‌هایش را به انگلیسی منتشر کرد، اگر همچنان زبان انگلیسی را زبان ادبی خود قرار می‌داد، جوزف کنراد امریکای لاتین می‌شد. اما او به میهن برگشت و در آنجا داستان‌های استادانه، پیچیده و دقیق خود را دربارهٔ زندگی بورژوازی شیلی به قلم آورد. دونوسو را می‌توان هنری جیمز امریکای لاتین دانست، یعنی ناظر دقیق آداب و رسوم اجتماعی و استاد بی‌بدیل در شیوه‌های روایت. اما او علاوه بر این‌همه، علاقه‌ای پرشور به سطوح مختلف هشیاری و پیچ و خم تودرتوی جنون دارد که اغلب در سیمای راوی غیر قابل اعتماد بازتاب می‌یابد.[۱]

این ویژگی‌ها که اچه‌وریا برمی‌شمرد به گونه‌ای آشکار در رمان **دوزخ بدون مرز**[۲] به چشم می‌خورد.

این رمان توصیف زندگی شخصیتی به نام لامانولا است که شخصیتی نامتعارف و حرفه‌ای بدنام دارد. بخش عمده‌ای از کتاب تک‌گویی همین شخصیت است که گاه با ضمیر مذکر و گاه با ضمیر مؤنث از خود یاد می‌کند. کل این روایت بر پریشانی ذهنی و نابهنجاری‌های جنسیتی و روابط نامألوف میان آدم‌ها استوار است.

---

۱. روبرتو گونسالس اچه‌وریا [گردآورنده]، *داستان‌های کوتاه امریکای لاتین*، ترجمهٔ عبدالله کوثری، جلد اول، ص ۳۰۲.

2. *The Hell has no Limits*

www.ketab.ir

توجه به این‌گونه مضامین در رمان دیگر دونوسو، *گم شدن اسرارآمیز مارکی لوریا*[1] (۱۹۸۰) به چشم می‌خورد.

خوسه دونوسو در سال ۱۹۷۰ با نوشتن رمان **پرندهٔ وقیح شب**[2] نه تنها جایگاه خود را در جمع نویسندگان دورهٔ **شکوفایی** بیش از پیش استوار کرد، بلکه رمان این دوره را به جایی رساند که به گفتهٔ یکی از منتقدان: «با این رمانِ دونوسو چرخه‌ای کامل و بسته می‌شود. فراتر از این رمان دیگر امکانی برای روایت وجود ندارد، رمان دونوسو یک مرحله را کامل کرده و برای رمان امریکای لاتین فقط یک راه مانده و آن تغییر مسیر است[3].»

این رمان که می‌توان آن را اوج تجربه‌گرایی، پیچیدگی و پراکندگی دانست، آمیزه‌ای شگفت از تخیل و واقعیت، تاریخ و افسانه، روابط نابهنجار آدم‌ها، تعارضات اجتماعی و همهٔ عناصری است که رمان نو در امریکای لاتین از آن‌ها بهره برده است. داستان، ماجرای زندگی خانوادهٔ اشرافی رو به زوالی است که آخرین زادهٔ مذکر آن‌ها موجودی هیولاوار است. این هیولا را با مشتی موجود ناقص‌الخلقهٔ دیگر در قصری قدیمی زندانی می‌کنند تا از نابهنجاری‌های خود باخبر نشود. در این قصر همه‌چیز صورتی نابهنجار دارد، حتی مجسمه‌ها هم گوژپشت و ناقص‌الخلقه‌اند. درواقع در این قصر هیولا بودن هنجار می‌شود و هنجارمندی هیولاوار است. داستان **پرندهٔ وقیح شب** برگرد این موجود و تصورات بیمارگون او شکل می‌گیرد و بخش عمده‌ای از آن را از زبان و از دیدگاه این هیولا که درواقع راوی غیر قابل اعتمادی است می‌شنویم. رمان آکنده از روایت‌های مختلف از موقعیت‌های واحد است و نیز آکنده از چهره‌های چندگانهٔ شخصیت‌های واحد. اما در این گردهمایی شوم و

---

1. *La misteriosa desa paricion de la marquestia de loria*
2. *The Obscene Bird of Night*
۳. نقل شده در: *Latin American Fiction*, p. 85.

www.ketab.ir

هذیان‌آلود، یکی از عناصر تشکیل‌دهندهٔ اغلب رمان‌های دونوسو، جای تأمل خاص دارد و آن حضور و تأثیر آدم‌های حاشیه‌نشین و ارتباط آن‌ها با متن جامعه است که در اینجا به‌صورت پیرزنانی آشوبگر که سیمایی چون جادوگران قرون وسطی دارند جلوه می‌کند. اینان در جهانی آکنده از پلشتی و نفرت که خود ساخته‌اند، قدرتی بی‌معارض دارند و گویی بر مقدرات آدم‌ها حکم می‌رانند. مایکل وود در نقدی بر آثار دونوسو می‌نویسد: «دونوسو ما را از درون آینه‌ای عبور می‌دهد و به باغی از هیولاهای رقصان می‌رساند. اما در پایان کار، در آن چشم‌اندازِ جادویی پیرزنانی کمین کرده‌اند. در اینجا نیز مثل آثار کافکا، واقعیتی آشنا در پایان کابوس به انتظار ماست و خواب امریکای لاتینی‌ها مشتی هیولای درهم پیچیده را می‌آفریند که شناختن آن‌ها در روشنایی روز بسیار ساده است»[1].

پیچیدگی *پرندهٔ وقیح شب* و چندوجهی بودن مضمون و شخصیت‌هایش چنان است که بیش از هر کتاب دیگرِ دونوسو بر آن تفسیر نوشته‌اند. در اینجا پاره‌ای از گفتار مایکل وود را دربارهٔ این رمان نقل می‌کنیم:

> این رمان در پی آن نیست تا نشان دهد که زندگی رؤیاست یا واقعیت فقط در ذهن ما وجود دارد. آنچه از رمان برمی‌آید این است که واقعیت ممکن است در چشم ما نمایانگر چنان قحط حیاتی بشود که ذهن‌های هراس‌زده و تشنهٔ ما از بیم آن به کابوس پناه ببرند. درواقع کابوس به سراغ ما می‌آید، خواه قصد پناه بردن به آن داشته باشیم و خواه نه. اما نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این نیست که ما قادر به شناخت حقیقت از خیال نیستیم، بلکه خود را در جنگلی از خیالات حقیقی یا حقایق خیالی گم می‌کنیم و در برهوتی آکنده از زوزهٔ گرگان و جیک‌جیک پرندگان تنها می‌مانیم[2].

---

1. *Latin American Fiction*, ed. by John King, p. 240. 2. *Ibid*, p. 238.

www.ketab.ir

پرندهٔ وقیح شب یکی از شگفت‌ترین فرآورده‌های تفکر و تخیل آدمی است. کارلوس فوئنتس این رمان را «یکی از بزرگ‌ترین رمان‌ها، نه تنها در امریکای لاتین، که در زمانهٔ ما» می‌داند و لوئیس بونوئل آن را «شاهکار» توصیف می‌کند.

این رمان چنان‌که گفتیم سبب شد که برخی از صاحب‌نظران خواستار تغییر مسیر رمان دورهٔ شکوفایی بشوند. دونوسو خود نیز در همان ایام نیاز به تحول اساسی در رمان امریکای لاتین را مطرح کرد و در این راه پیشگام بود. او می‌پرسید: «آیا زمان آن نرسیده که رمان معاصر امریکای لاتین تحولی بپذیرد تا از میان خاکستر این‌همه رمان «کلیت‌گرا» که زیر بار «نیات» نویسنده خرد شده و از فرط تجربه‌گرایی به خفقان افتاده، رمانی جدید زاده شود؟»

و نیز در جای دیگر می‌گوید:

> چیزی که برای من جالب است سرشاخ شدن با رمان کلاسیک جاافتاده است. منظورم رمان کلاسیک قدیم نیست، رمان کلاسیک معاصر را می‌گویم. همان رمانی که تظاهر به آزاد بودن روایت می‌کند اما در پشت این نقاب مجموعه‌ای از قوانین را می‌سازد که بدون آن کارش راه نمی‌افتد. مثلاً آن قواعد عجیب که، به نظر من، کورتاسار به کار می‌گیرد: ***لی‌لی‌بازی*** مجموعه‌ای از قواعد پنهانی است که بر روی هم یک نظریهٔ رمان را تشکیل می‌دهد. این نظریه می‌خواهد رمان کلاسیک را از میان بردارد، اما در عوض خودش یک رمان کلاسیک جدید می‌سازد.

تحولی که دونوسو پیشنهاد می‌کرد، هم به سبب ظهور نویسندگانی از نسل جوان‌تر، مثل مانوئل پوئیگ، روساریو فره، و... و هم به سبب تحولاتی که خود نویسندگان دورهٔ **شکوفایی** مثل فوئنتس، مارکز، بارگاس یوساو... از سر گذراندند، بیش و کم تحقق یافت و شاید این

www.ketab.ir

تحول در آثار بارگاس یوسا آشکارتر از دیگران باشد.

بدین‌ترتیب دونوسو از دههٔ ۱۹۷۰ سبک و روشی در پیش می‌گیرد که توجه به واقعیت زندگی روزمره مهم‌ترین ویژگی آن است، اما این تنها یک لایه از کار اوست. او در اغلب رمان‌های این دوره زندگی روزمره را دستمایه می‌کند و در عین آن‌که خواننده را با روایتی ساده و واقع‌گرا (ازجمله استفاده از مستندات یا رمز و راز داستان‌های پلیسی) سرگرم، یا درواقع اغوا، می‌کند، به‌ناگاه با برهم زدن الگوی ظاهری روایت و گنجاندن عناصری رمزآمیز در رمان، گویی زیر پای خواننده را خالی می‌کند. دونوسو با رویکردی دور از هرگونه قطعیت و نتیجه‌گیری‌های قالبی، خواننده را به ژرفای پررمز و راز درون انسان می‌کشاند، بی‌آن‌که نیازی به باز کردن همهٔ گره‌ها به دست راوی ـ نویسنده احساس کند. شاید از این حیث بتوان او را کم و بیش با ماشادو دآسیس نویسندهٔ بزرگ برزیل در قرن نوزدهم مقایسه کرد که بسیار چیزها را با «نگفتن» می‌رساند و در پی آن نیست تا با صدور احکام قاطع خواننده را مقهور کند.

دونوسو در سال ۱۹۷۸ رمان *خانه‌ای در روستا*[1] را نوشت که تصویری نمادین از جامعهٔ شیلی در دوران آلنده و سپس کودتای پینوشه است. اما دونوسو اگرچه مضمونی سیاسی را به‌کار می‌گیرد، با استفاده از شگردهایی بدیع می‌کوشد پیوسته «داستانی» بودن متن را به خواننده گوشزد کند. این رمان که حاوی انتقادی تلخ و گزنده از جامعهٔ شیلی و به‌طور کلی امریکای لاتین به‌شمار می‌رود، هزینهٔ جانکاه انکار واقعیت و آشکار شدن دروغ را نشان می‌دهد. دونوسو جامعه‌ای را تصویر می‌کند که در کار خود درمانده است، نه می‌تواند انقلاب کند و نه کاری دیگر از او برمی‌آید، تنها قادر است که هر چه بیشتر زیر بار سنگین انکار واقعیت و

1. *A House in the Country*

www.ketab.ir

زیر بار نفرت‌هایی که خود برانگیخته فرو برود.

داستان در روستایی در مملکتی بی‌نام و نشان می‌گذرد که ما از قراین درمی‌یابیم کشور شیلی است. در اینجا خانهٔ اربابی مجللی را می‌بینیم که در جوار معدن طلایی است و بومیان محل در شرایطی غیر انسانی به استخراج طلا و ارسال آن به پایتخت اشتغال دارند. خانوادهٔ مالک این بومیان را مشتی آدمخوار جلوه می‌دهند و خود را چون مجاهدان راه تمدن و پیشرفت. هر تابستان خانواده که مرکب از سیزده برادر و همسران و زاد و رود آن‌هاست به این خانه می‌آیند و سه ماه در آنجا اقامت می‌کنند و هیچ کاری ندارند جز کاهل نشستن و بافتن زنجیره‌ای از خیالات نابهنجار و دور از واقعیت. درواقع نخستین قاعدهٔ این جمع پرهیز از هر چیز صریح و واقعی است، مثلاً زنی پنجاه و دو ساله را می‌بینیم که از دیرباز کور بوده اما هیچ‌کس کوری او را نپذیرفته و او خیلی راحت اشیا را توصیف می‌کند و از رنگ و طرح لباس‌ها حرف می‌زند، چنان‌که گویی آن‌ها را می‌بیند. یا مردی دیوانه که او را با دارو کرخ کرده و در اتاقی دورافتاده به زنجیر کشیده‌اند و هیچ‌کس به فریادهای جنون‌آمیز او توجه نمی‌کند. فرزندان هیچ پیوند عاطفی با پدر و مادر ندارند و پیوسته در فکر گریز و توطئه هستند. تا آنکه یک روز بزرگسالان جملگی به گردش می‌روند و یک‌باره آن نظم دروغین برهم می‌خورد. بچه‌ها آزاد می‌شوند، دیوانه از نهانگاهش بیرون می‌آید و بومیان به خانهٔ اربابی راه می‌یابند و اختیار خانه را به‌دست می‌گیرند. این چارچوب کلی رمان است. رمانی که آمیزه‌ای از تعارض زمان، تعارض نسل‌ها و تعارض طبقات است. شخصیت‌ها گاه خودشان هستند و گاه می‌توان آن‌ها را استعاره‌ای یا نمادی از نهادی در جامعه، مثلاً پلیس یا ارتش، گرفت. دونوسو در این رمان گویی به ستیز با واقعیت و تاریخ می‌رود و در عین آن‌که نشان می‌دهد ادبیات نمی‌تواند در ارائهٔ واقعیت کاملاً وفادار بماند،

www.ketab.ir

نابسندگیِ تاریخ را نیز آشکار می‌کند.

خانه‌ای در روستا جایزهٔ منتقدان اسپانیایی را از آن خود کرد.

باغ همسایه که در سال ۱۹۸۱ منتشر شد از رمان‌های جذاب و پرخوانندهٔ دونوسو است. در این رمان نیز آنچه گزارشی ساده و واقع‌گرایانه از زندگی نویسنده‌ای تبعیدی و سرخورده می‌نماید، به ناگاه در فصل آخر با چرخشی نامنتظر همهٔ دانسته‌های خواننده را آماج تردید می‌کند. این رمان را برخی از منتقدان عرصهٔ برخورد و کشاکش میان رمان **شکوفایی** و رمان بعد از شکوفایی شمرده‌اند.

یکی دیگر از رمان‌های مشهور دونوسو ***حکومت نظامی***[1] است. این رمان تصویری است از زندگی درونی و بیرونی آدم‌هایی از اقشار مختلف جامعهٔ شیلی در دوران خفقان‌آور دیکتاتوری پینوشه. رمان به گونه‌ای پرمعنی با مرگ ماتیلده اوروتیا[2] همسر شاعر بزرگ شیلی، پابلونرودا، و مراسم تشییع و تدفین او آغاز می‌شود. مانونگو ورا[3]، خوانندهٔ محبوب مردم در دوران انقلاب آلنده، بعد از سال‌ها دوری از وطن در این روز به شیلی باز می‌گردد، در پی یافتن خود و کشف دوبارهٔ میهن. جهان دیگرگونی که این خوانندهٔ محبوب پیش چشم می‌بیند و آشنایان دیروزش که امروز هریک با کوله‌باری از تجربه‌های دردناک دوران دیکتاتوری می‌کوشند تا پیوندهای گذشته را دیگربار زنده کنند و ماجرای تلاش این مرد برای برقراری پیوند با «خانه»، این رمان را که در عین برخورداری از رنگ و بوی سیاسی مثل همهٔ رمان‌های دونوسو کندوکاوی ژرف در هستی آدم‌های شیلیایی نیز هست، به چشم‌اندازی جذاب از سرنوشت

---

۱. عنوان اصلی رمان *Deses perurza* [درماندگی] است، اما مترجم انگلیسی عنوان آن را *Curfew* [قُرُق یا حکومت نظامی] نهاده است ـ م.

2. Matilde Orotia 3. Manungo Vera

www.ketab.ir

آدمیان و تلاش بی‌امان آن‌ها برای بودن و معنی بخشیدن به هستی خود بدل کرده است.

مهم‌ترین آثار دونوسو را با عنوان انگلیسی آن‌ها می‌توان چنین برشمرد:

1. *Charleston and Other Stories*
2. *Coronation*
3. *This Sunday*
4. *The Obscene Bird of Night*
5. *Sacred Families*
6. *A House in the Country*
7. *The Boom in Spanish American Literature: A Personal History*
8. *Hell Has No Limits*
9. *Curfew*
10. *The Mysterious Disapearance of Marquise of Loria*
11. *The Garden Next Door*

خوسه دونوسو در سال ۱۹۵۶ جایزهٔ شهرداری سانتیاگو را برای مجموعه داستان‌های کوتاه خود دریافت کرد. همچنین جایزهٔ مشترک ایتالیا و شیلی برای فعالیت‌های ژورنالیستی‌اش به او تعلق گرفت.

در ۱۹۶۲ رمان *Coronation* برندهٔ جایزهٔ بنیاد ویلیام فاکنر شد.

در سال ۱۹۸۳ منتقدان اسپانیایی جایزهٔ خود را به رمان *A House in the Country* دادند.

در سال ۱۹۹۰ مهم‌ترین جایزهٔ ادبیات شیلی به خوسه دونوسو اعطا شد.

مآخذ این مقدمه:

1. *The Cambridge Companion To The Latin American Novel*, Edited by Efrain Kristal, Cambridge University Press, 2005.
2. Philip Swanson, *Latin American Fiction, A Short Introduction*, Blackwell, 2005.
3. *Modern Latin American Fiction*, Edited by John King, Faber and Faber, 1987.

www.ketab.ir

4. Jose Donoso, *Curfew*, Translated by Alfred MacAdam, Picador, 1988.

5. Jose Donoso, *The Obscene Bird of Night*, Translated by Hardie St. Martin and Leonard Mades, David R. Godine Publisher, 1979.

۶. *داستان‌های کوتاه امریکای لاتین*، گردآوری: روبرتو گونسالس اچه‌وریا، ترجمهٔ عبدالله کوثری، نشر نی، چاپ یکم ۱۳۸۰.

www.ketab.ir